



نظام قضائی در انگلستان

دکتر منصور پورنوری - سرپرست مجتمع حقوقی شهید بهشتی

اول دولت بشمار می‌رود و مسؤول تأمین رسیدگی و بررسی و تعقیب کیفری مستقل است و از نظر سیاسی مستقل می‌باشد. مدیر کل نهاد به سؤالات مجلس از طریق دادستان کل پاسخ می‌دهد. ریاست اداری و عالی نهاد و هزینه بودجه تخصیصی به نهاد، به عهده وی واگذار شده است. شخصاً در مورد مشکل‌ترین و حساس‌ترین پرونده‌ها یا موضوعات خاص قضایی مداخله و با دادستان کل کشور و یا معاون وی مذاکره می‌نماید. اما تصمیم نهائی با خودش می‌باشد. نهاد تعقیب کیفری جرائم در تمام انگلستان به ۴۲ سازمان منطقه‌ای تقسیم شده که هر کدام از مناطق در یک حوزه انتظامی پلیس، فعالیت می‌کند و در رأس واحدهای چهل و دو گانه یک مسؤول منطقه قرار گرفته است.

کارکنان نهاد تعقیب، حدود ۶ هزار نفر هستند که تقریباً دو هزار نفر آنان، حقوقدان هستند. نهاد تعقیب از واحد تعقیب‌های نهاد و واحد اجرایی، واحد سیاست‌گذاری، واحد بررسی پرونده‌ای کیفری مهم و واحد وکلای مشاور تشکیل شده است. واحد اجرایی نهاد تعقیب، زیر نظر رئیس آن واحد انجام وظیفه می‌کند. رئیس واحد تعقیب‌های نهاد از مقامات درجه اول حقوقی است و مسؤولیت او انجام تعقیب‌ها، تأمین اجرای وظایف نهاد، نمایندگی نهاد در مراجع محلی و سایر مراجع مربوطه، ارتباط با کلانتریها، رابط نهاد با بالاترین مقام قضائی کشور و دادگاههای صلح، کانون وکلا و سازمانهای حمایت

نهاد عمومی و حکومتی، تعقیب کیفری جرائم را ایجاب نمود. و یک نهاد عمومی تعقیب، در سال ۱۸۸۰ تشکیل و نخستین رئیس آن نهاد در همان سال منصوب گردید. در واقع نهاد، برای جلوگیری از بی‌عدالتی و سوءاستفاده از عدالت در دادگاههای صلح، که به دادگاههای پلیس معروف بودند، به وجود آمد. در سال ۱۹۷۸ وزیر کشور کمیسیون ویژه‌ای را مأمور بررسی سیستم تعقیب کیفری نمود. آن کمیسیون نظام کیفری را به علت نامناسب بودن نیروی پلیس در ایراد اتهام به اشخاص و اتخاذ سیاستهای متفاوت و متناقض در نقاط مختلف کشور، توسط پلیس برای تعقیب یا منع تعقیب مجرم و طرح پرونده‌های بسیار ضعیف کیفری، در نزد قضات ناکافی اعلام کرد و پیشنهاد نمود، تا یک نهاد عمومی مستقل به موجب قانون مصوب مجلس تشکیل شود. به دنبال آن پیشنهاد، قانون سال ۱۹۸۵ میلادی بنام قانون تعقیب کیفری جرائم، به تصویب مجلس رسید و از اول اکتبر سال ۱۹۸۶ نهاد عمومی تعقیب کیفری جرائم در سراسر انگلستان آغاز به کار کرد. در رأس نهاد، دادستان کل کشور قرار دارد که بالاترین مقام حقوقی دولت و ریاست عالی نهاد بوده و مسؤول اجرای قوانین کیفری در انگلستان می‌باشد و به دولت مشورت‌های حقوقی مستقلی را ارائه می‌دهد.

دادستان کل، مدیر کل نهاد را از میان حقوقدانان مبرز که حداقل ده سال سابقه داشته باشد انتخاب و منصوب می‌کند. مدیر کل نهاد جزو مستخدمین تراز

سلسله مقالاتی که از این شماره به بعد ارائه خواهد شد، حاصل بررسی نزدیک نظام قضایی کشور انگلستان است. که در مأموریت قوه قضائیه به اینجانب و چهار نفر از قضات عالی رتبه در اسفند ماه سال ۱۳۸۰ به کشور انگلستان انجام گرفت. اهمیت این گزارش و برتری آن نسبت به سایر مطالعات انجام گرفته در این است که، نگارنده به همراه سایر اعضاء هیأت، به واحدهای مختلف قضائی کشور انگلستان مراجعه و از نزدیک شاهد عملکرد و محاکمات دادگاه‌ها بودیم. به طور کلی نظام قضائی کشور انگلستان مرکب از نهاد تعقیب کیفری جرائم و دادگاهها است و ریاست نظام قضائی کشور با لرد چنسلر است. ابتدا سعی می‌شود نظام تعقیب کیفری جرائم و سپس نظام دادگاهها، مورد بررسی قرار گیرد.

نظام تعقیب کیفری جرائم قوه قضائیه کشور انگلستان

وظیفه نظام کیفری، اجرای عدالت کیفری و احقاق حقوق عامه اشخاص در جامعه است. تا قبل از سال ۱۸۸۰ میلادی در انگلستان نهاد حکومتی برای تعقیب کیفری جرائم، وجود نداشت و شکایات کیفری اشخاص، مستقیماً، یا توسط وکلایشان در دادگاه مطرح می‌شد. عواملی از قبیل رشد جمعیت، اعمال مؤثر نیروی پلیس، رشد تشکیلاتی دولت مرکزی و توسعه سیاسی و فلسفی پدیده آزادی انسان و ضرورت حفظ آزادیهای فردی مجرم و مجنی علیه، ایجاد یک

از حقوق متهمین است و به تعداد کافی معاون دارد. واحد تعقیب‌های ویژه، وظیفه بررسی پرونده‌های مهم کیفری، مانند: پرونده‌های مربوط به اعمال تروریستی، کلاهبرداری، جرائم افسران پلیس، جرائم بین‌المللی سازمان یافته، استرداد مجرمین اتحادیه اروپا، ضبط دارائی و مواد مخدر می‌باشد. خط مشی و سیاست‌گذاری نهاد، توسط واحد دیگری انجام می‌شود که حفظ حقوق نهاد در سیستم کیفری و ارائه راهکارهای مؤثر و مشورت برای اجرای قانون و تأمین اولویت سیاست و عدالت کیفری دولت در جامعه به عهده وی واگذار شده است. واحد، متشکل از وکلای مشاور و مدافع در نهاد تشکیل شده که وکلا در استخدام آن بوده و به نمایندگی از نهاد در دادگاه‌های عالی در بعضی از پرونده‌ها و محاکمات، شرکت می‌کنند. این وکلا پس از گذراندن امتحان لازم، آموزش مربوطه را در کانون وکلا طی می‌کنند.

نحوه تعقیب جرائم:

نهاد بنام جامعه، تعقیب را طبق دستورالعملی که رئیس نهاد، یا اختیارات حاصله از بخش دهم قانون ۱۹۸۵ تعقیب کیفری جرائم صادر می‌کند، بطور محرمانه انجام می‌دهد، دستورالعمل، اصول کلی نحوه اتخاذ تصمیم در مورد تعقیب کیفری جرائم را تعیین می‌کند و قابل تجدیدنظر است. وظیفه اصلی نهاد، تعقیب اتهاماتی است که توسط پلیس در امور کیفری به افراد وارد می‌شود. تحقیقات مقدماتی توسط پلیس انجام می‌گیرد و پلیس بدو تصمیم می‌گیرد که شخص را به عنوان متهم، تحت تعقیب قرار دهد و در صورت ورود اتهام، پرونده را به نهاد می‌فرستد، در غیر این صورت، پرونده در نزد پلیس، بایگانی می‌شود.

نهاد پس از دریافت پرونده از پلیس، تعقیب را توسط مأمورین تعقیب، انجام می‌دهد. مسؤول تعقیب، اوراق آن را بررسی و در مورد وجود دلایل کافی و اینکه آیا منافع عمومی تعقیب را ایجاب می‌کند، رسیدگی می‌نماید. در صورتی که اعتقاد به تغییر نوع اتهام و یا انصراف از تعقیب داشته باشد با پلیس تماس می‌گیرد و فرصتی را به پلیس برای ارائه اطلاعات بیشتر و مؤثر می‌دهد. اگر چه پلیس و نهاد بسیار نزدیک به هم فعالیت می‌کنند، اما از یکدیگر کاملاً مستقل بوده و تصمیم نهایی مبنی بر اینکه آیا تعقیب را ادامه دهد، موکول به ارزیابی نهاد تعقیب است. مطابق دستورالعمل اجرائی تعقیب، تعقیب عادلانه و مؤثر، اساس حفظ قانون و نظم عمومی است. در این راستا هر پرونده از نوع خود، بی نظیر تلقی شده و با توجه به واقعیت و دلایل خود رسیدگی می‌شود. مسؤول تحقیق پرونده، باید فردی عادی و مستقل و واقع بین باشد، نباید نظرات شخصی خود را در مورد نژاد، مذهب و عقیده و نظرات سیاسی مظنون، مجرم و شاکی که مؤثر در تصمیم او باشد، دخالت دهد و تحت تأثیر و نفوذ هیچ قدرتی نباشد. در تعقیب، باید اصول حقوق بشر کنوانسیون اروپا را رعایت کند، زیرا مرجع عمومی برای

اجرای قانون ۱۹۹۸ حقوق بشر در کشور است. مسؤول تحقیق باید اطمینان حاصل کند که شخصی را که تعقیب می‌کند، متهم واقعی است و اتهام وی نیز صحیح است و در این رابطه همیشه به خاطر داشته باشد که برای اجرای عدالت، انجام وظیفه می‌کند نه محکومیت متهم. حقوق فردی متهم، مجرم، شاکی و شاهد در هر تعقیب باید جدی تلقی شود. در ارائه تعقیب، مسؤول تعقیب در هر مورد و پرونده‌ای دو نوع ارزیابی را انجام می‌دهد. ارزیابی دلایل اتهام و ارزیابی مصلحت و منفعت جامعه در تعقیب جرم. مأمور تعقیب، در مواردی می‌تواند به جای تعقیب، به پلیس توصیه کند، تا متهم را با تعهد و مشروط، آزاد کنند. هنگام ارزیابی دلایل، مسؤول تعقیب باید قانع شود که دلایل کافی برای امکان واقعی محکومیت متهم، وجود دارد و دلایل به روش صحیح جمع آوری گردیده و احتمال رد آن در دادگاه نمی‌رود. مسؤول تعقیب، دلایل را از این جهت که هویت واقعی متهم را معرفی کند و تا چه حدی سن و سطح و میزان درک متهم، در آنها مؤثر بوده، بررسی کند. تأثیر انگیزه شاکی، در تعقیب و قابل اعتماد بودن او نیز باید لحاظ شود. بهر حال وجود تردید در دلایل و امکان رد آن در دادگاه نباید موجب چشم پوشی از دلایل استنادی در دادگاه شود. در ارزیابی مصلحت و نفع عمومی برای تعقیب جرم، عواملی از قبیل: جدی بودن جرم، اوضاع و احوال مجرم، احتمال محکومیت متهم به مجازات مهم، ارتکاب جرم علیه دولت، نقش مجرم در رهبری و هدایت جرم و ارتکاب گروهی جرم، انگیزه تبعیض نژادی مجرم به لحاظ مذهب و اعتقادات، نظرات سیاسی، کینه توزی، اختلاف سن واقعی مجرم و مجنی علیه و احراز مجرم به ارتکاب جرم (تکرار جرم) و انتشار جرم در منطقه در نظر گرفته می‌شود. بطور کلی هر چقدر جرم مهم باشد، منفعت جامعه بیشتر مطرح می‌گردد.

اگر نتیجه ارزیابی هر یک از مراحل فوق، منفی باشد، تعقیب پیش تر نخواهد رفت. هر چقدر هم موضوع جدی و مهم باشد، نهاد می‌تواند تعقیب را متوقف کند. برای عدم تعقیب عواملی مانند: احتمال اعمال مجازات ضعیف و وقوع جرم و اثر اشتباه واقعی متهم یا سوءتفاهم، ورود خسارت جزئی، طولانی شدن زمان وقوع جرم تا تاریخ محاکمه، طولانی شدن تعقیب جرم به لحاظ پیچیدگی آن، تأثیر تعقیب جرم بر سلامتی جسمی و روانی مجنی علیه از این جهت که همیشه جدی بودن جرم در ذهنش متبادر می‌شود، مسن بودن متهم، ابتلاء به بیماری روانی و جسمی، پرداخت خسارت از طرف متهم، ایجاد خدشه به روابط بین الملل و امنیت ملی و

منابع اطلاعاتی با تعقیب جرم، مؤثر می‌باشد. در تعقیب اطفال باید نفع عمومی جامعه در نظر گرفته شود و سن، تنها دلیل عدم تعقیب متهم نباشد و قبل از تعقیب متهم، اختطاریه دریافت کرده باشد، مگر اینکه مشخص شود که عدم تعقیب، تأثیری در روحیه متهم ندارد، که در این صورت متهم، بدون اختطاریه تحت تعقیب قرار می‌گیرد. مردم جامعه باید به تصمیمات نهاد تعقیب اطمینان داشته باشند. معمولاً اگر نهاد به فرد مظنون یا مجرم اعلام کند که تعقیب نمی‌شود یا تعقیب متوقف گردیده این پایان پرونده محسوب می‌شود. اما در صورت دستیابی به دلایل بیشتر و یا دلایل جدید و پی بردن به اشتباه واضح، مجدداً تعقیب پرونده شروع می‌شود.

نهاد تعقیب، پرونده را برای ارجاع به دادگاه صالح یا دادگاه عالی کیفری، آماده می‌کند و نهاد، دستور لازم به وکلای خود، جهت طرح کیفرخواست در آن دادگاه‌ها، به وکلای مشاور و مدافع خود، صادر می‌کند. در این مرحله، سرعت پیگیری نباید، تنها دلیل ارجاع پرونده به دادگاه صلح باشد، و نهاد باید رهنمودهای دادگاه صلح را اجرا کند. به این صورت که اگر نوع جرم طوری است که اختیار می‌دهد، در هر یک از دادگاه‌های صلح و یا در دادگاه عالی کیفری، مطرح شود و مجرم اقرار به جرم ندارد، پرونده را به دادگاه عالی کیفری ارجاع دهد. و در ارجاع پرونده به دادگاه عالی کیفری، تأثیر تأخیر رسیدگی بر مجنی علیه و مجرم در نظر گرفته می‌شود. نهاد تعقیب، سالانه یک میلیون و سیصد هزار پرونده در دادگاه‌های صلح و یکصد و بیست هزار پرونده را در دادگاه‌های عالی کیفری، مطرح می‌نماید.